

سنگ صبور

عتیق رحیمی

با مقدمه‌ای از خالد حسینی

مهدی آذری



سرشناسه:	رحیمی، عتیق ۱۳۴۰	Rahimi, Atiq
عنوان و نام پدید آورنده:	سنگ صبور	
مشخصات نشر:	یویان، ۱۳۹۴	
مشخصات ظاهری:	۱۲۰ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.	
فروست:	ادیات ۴	
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۲۶-۱-۳	
وضعیت فهرست نویسی:	فیای مختصر	
یادداشت:	این کتاب از متن انگلیسی The patience stone : sang-e saboor، به فارسی	
ترجمه شده است.		
شناسه افزوده:	آذری، مهدی. ۱۳۶۱، مترجم.	
شناسه افزوده:	حسینی، خالد. مقدمه نویس	
شناسه افزوده:	Hosseini, Khaled	
شماره کتابشناسی ملی:	۳۷۸۱۹۵۴	



The patience stone

ترجمه: مهدی آذری

سنگ صبور

عتیق رحیمی

چاپ: کامیاب

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۲۶-۱-۳

انتشارات یوبان

تلفن و دورنگار: ۰۲۱-۶۶۹۶۴۱۶۴

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

زنان عاجزترین اعضای جامعه‌ی افغانستان هستند و این حقیقتی آزار دهنده است. مدت‌ها پیش از ورود طالبان، زنان افغانستان حتی برای حقوق اصلی خود می‌جنگیدند. از دیرباز به جز تعدادی نقاط شهری محدود، حکومت مستبد و مردسالار قبیله‌ای زنان را از حقوقشان برای کارکردن، درس خواندن، مراقبت‌های بهداشتی کافی و استقلال شخصی محروم کرده است. سه دهه جنگ، جابجایی، بی‌نظمی و هرج و مرج منجر به بدتر شدن این اوضاع شده است.

با وجود اصلاحاتی که در سال‌های اخیر صورت گرفته است، هنوز زنان بسیاری تحت حکومت مطلق و بی‌چون و چرای آداب و رسوم قبیله‌ای زجر می‌کشند. آداب و رسومی که مانع مشارکت جدی و هدفمند زنان در زندگی اجتماعی شده است.

برای مدت‌هایی طولانی زنان افغان ناشناخته و بی‌صدا بودند تا این که عتیق رحیمی با کتاب سنگ صبور، به یک زن فراموش نشدنی که می‌توانست از خود دفاع کند، شأن و حق سخن گفتن می‌بخشد و به دلیل بی‌عدالتی‌های انجام شده در حق میلیون‌ها زن همچون وکیلی به او کمک می‌کند.

طرح داستان نمی‌توانست ساده‌تر از این باشد. کل داستان در یک اتاق اتفاق می‌افتد؛ اتاقی که در آن زنی بدون نام از شوهر به شدت مجروحش پرستاری می‌کند، شوهری که بدون حرکت، ساکت و ناتوان فقط دراز می‌کشد.

در حالی که گروه‌های درگیر جنگ همه‌چیز را در خیابان‌ها غارت می‌کنند، زن به‌وسیله‌ی لوله‌ای به شوهرش غذا می‌دهد. در چشمان شوهرش قطره می‌چکاند و لباس او را عوض می‌کند. علاوه بر تمام این‌ها با او صحبت می‌کند. ابتدا خیلی با احتیاط

حرف می‌زند و به تدریج که قفل دهانش شکسته می‌شود، سلیلی از اعترافات تکان‌دهنده را به زبان می‌آورد.

زن با افزایش جسارت و بی‌باکی‌اش، فاش می‌کند که چطور از شوهرش رنجیده است، ناکامی‌هایش از او، رازهای به دقت حفظ شده‌اش، خواسته‌ها و امیدهایش، دردها و غم و غصه‌هایی که به واسطه‌ی وجود آن مرد متحمل شده است را بر ملا می‌کند.

همان‌طور که شوهرش همچون سنگی مقابل چشمان او دراز می‌کشد، به راستی همچون سنگی جادویی که دلشوره و نگرانی‌های تمام آدم‌هایی که با آن درددل می‌کنند را جذب می‌کند، زن ناگهان خود را فارغ از تمام محدودیت‌ها و قیدوبندها می‌بیند و سخنرانی‌هایش به اوج هیجان می‌رسد.

درد دل‌هایش تنها اعترافی شجاعانه و هولناک نیست بلکه کیفرخواستی جدی علیه جنگ، خشونت مردان و معیارهای فرهنگی، مادی و مذهبی است که مدام به زنان افغان حمله می‌کند و بدون هیچ کمک و حمایتی آن‌ها را رها می‌کند تا همچون سنگ صبری بدون گله و شکایت تمام آن‌ها را جذب کنند.

این که قهرمان زن داستان، قدیسه‌ای نیست که مخفیانه در حجاب رنج بکشد، اعتباری برای عتیق رحیمی محسوب می‌شود.

در ادامه‌ی صحبت یک طرفه‌ی زن با شوهر احتمالاً بیهوشش، لایه‌ها یک به یک از هم باز می‌شوند، رسوایی‌ها بیشتر می‌شود و تصویر انسانی متفاوت و چندبعدی ظاهر می‌شود.

قهرمان داستان رحیمی، شجاع، قوی و مادری متدین است اما همچنین از پایه، از نظر رفتارهای انسانی ناقص است. زنی توانا در دروغ‌گویی، به بازی گرفتن اشخاص، بدجنس بودن، موجودی که وقتی تحت فشار زیادی قرار می‌گیرد عصبانی می‌شود و به علاوه توان این را دارد که بدنش را در اختیار کسی بگذارد.

هر دو بخش این داستان خیلی خوب می‌تواند علیه نواحی محافظه کارتر جامعه‌ی افغانستان باعث اعتراض و مخالفت شود اما رحیمی به دلیل پرهیز نکردن از این موضوع درخور تحسین است.

او به دلیل تبدیل نکردن قهرمانش به الگویی از شخصیت‌های مادرانه، جنسی و پرهیزگار مورد تمجید قرار گرفته شده است.

شاید نوشتن این داستان به زبان فرانسه به جای فارسی دری برای او آسان‌تر بود. از او نقل شده است که: «زمانی که به فارسی می‌نوشتم، نوعی خودسانسوری غیر ارادی اتفاق می‌افتاد. زمانی که انتخاب کردم به دور از این خود سانسوری و شرم ناخواسته‌ای که از بچگی در ما نهفته شده است، برای بیان کردن مقصودم نوعی آزادی به من می‌دهد.»

به هر حال، خواننده از شیوه‌ی شجاعانه‌اش سود می‌برد.

باوجود آن که کل داستان تنها در چهارچوب یک اتاق خواب اتفاق می‌افتد، این که چطور به وضوح جنگ در خیابان‌ها به تصویر کشیده می‌شود، گواه مهارت‌های قابل ملاحظه‌ی رحیمی است.

کابوس درگیری‌های بدون نام بین گروه‌هایی که هرگز نامی از آن‌ها برده نمی‌شود، سومین شخصیت در اتاق است.

رحیمی تصمیم می‌گیرد خواننده را به خیابان‌ها نبرد، در عوض خواننده همچون غیر نظامیان بی‌یار و یاور، جنگ را احساس می‌کند. صدای انفجارات ناگهانی تیراندازی، داد و فریادها و سکوت‌های وحشتناک را می‌شنویم. اتاق که می‌لرزد و شدت آتش خمپاره‌ها را احساس می‌کنیم. به رغم آن که هرگز پا به خیابان‌ها نمی‌گذاریم - یا شاید به همین دلیل - رحیمی در ایجاد تجربه‌ی هرج و مرج، درماندگی، ارتکاب خشونت احمقانه مجازات و طغیان‌های ناگهانی و بدون نقشه همراه با قربانی زندگان برای ما موفق است.

سال‌های درگیری تفرقه برانگیز جزء تاریک‌ترین سال‌های سه دهه اخیر افغانستان بود و در نثر کوتاه رحیمی، روزگار به نحو ویران‌کننده‌ای به زندگی برمی‌گردد.

سنگ صبور، برنده‌ی جایزه‌ی گنگور معتبر فرانسه، کتابی بسیار ساده است که در سبکی منظوم، مثنوی نوشته شده است اما با این حال کتابی است غنی، تا حدی تمثیلی، تا حدی داستان جنایت و مجازات و تا حدی کندوکاوی در نیک‌نامی، عشق، مسائل جنسی، ازدواج و جنگ.

بدون شک کتابی ارزشمند، جسور، پرجرات و پردل است. از نظر خواننده، بزرگ‌ترین موفقیت داستان بخاطر دادن صدا است. دادن صدا به کسانی که با پیشروی داستان بیشتر زجر می‌کشند و کمتر فریاد می‌زنند.

قهرمان بدون نام رحیمی، رابط و کانال زنده‌ای است برای مصیبت‌های میلیون‌ها زن شبیه او، زنانی که به عنوان کالا در نظر گرفته شده‌اند و نادیده گرفته شده‌اند. تحقیر شده‌اند، تنبیه شده‌اند، مورد تمسخر قرار گرفته‌اند و ساکت شده‌اند. در سنگ صبور، بالاخره آن‌ها اختیار خود را به دست می‌گیرند.

خالد حسینی